

عدالت در اندیشه و عمل نخبگان اجرایی جمهوری اسلامی

محمد حسن جباری*

چکیده

این مقاله به دنبال بررسی و ارزیابی عدالت در اندیشه و عمل در میان نخبگان اجرایی جمهوری اسلامی می باشد؛ اینکه چه نگرش و عملکردی نخبگان اجرایی جمهوری اسلامی در تحقق عدالت در حوزه های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با توجه به اهداف انقلاب اسلامی داشته اند؟ تاچه حدودی نیازهای چندساحتی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه با توجه به اهداف انقلاب اسلامی مورد توجه نخبگان اجرایی جمهوری اسلامی بوده است؟

روش تحقیق مقاله توصیفی-تحلیلی با رویکرد نهاد گرایی می باشد. سعی خواهد شد با رویکرد نهادگرایی بر اساس نگرش های اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی با توجه به اسناد و مدارک دست اول و دست دوم، به بررسی و ارزیابی عدالت در اندیشه و عمل نخبگان اجرایی جمهوری اسلامی پرداخته شود.

یافته های پژوهش نشان می دهد؛ نخبگان جمهوری اسلامی (میرحسین موسوی، علی اکبر هاشمی رفسنجانی، سید محمد خاتمی و محمود احمدی نژاد) براساس اندیشه های اسلامی (بااثرپذیری از اندیشه لیبرالیستی و سوسیالیستی) و قانون اساسی جمهوری اسلامی مبتنی بر تحقق نیازهای چندساحتی جامعه، به دنبال تحقق تک ساحتی نیازهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با توجه به خواسته های جامعه بودند که منجر به مغفولیت نیازهای چندساحتی شد. این مساله به نوبه خود محرومیت نیازهای چندساحتی جامعه را به همراه داشت و منجر به پیروزی دولتهای با ترجیحات تک ساحتی نیازهای جامعه شد.

کلید واژه‌ها: عدالت، اسلام، غرب، نخبگان اجرایی جمهوری اسلامی

* عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول) Email: Mhjab819@gmail.com

مقدمه

مساله تحقق عدالت از جمله اهداف بشریت در طول تاریخ بوده است. بسیاری از جنبش‌ها و انقلاب‌ها در تاریخ بشریت ناشی از شناخت انسان به نابرابری و تلاش برای تحقق برابری بوده است. اندیشه عدالت در ایران نیز در قرون اخیر از دوره قاجاریه با برداشت متفاوتی وارد مباحث گفتمانی ایران شده است و برداشت‌های متنوع غربگرایی و اسلام‌گرایی نسبت به عدالت در دوره مشروطیت مطرح شد. بعد از مشروطیت با شکل‌گیری حکومت پهلوی تا پیروزی انقلاب اسلامی حقوق اساسی و بنیادی ملت نظیر آزادی‌های مدنی و سیاسی و حقوق برابر و عادلانه مردم در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با توجه به قانون اساسی مشروطیت و تحولات اجتماعی نادیده گرفته شد و زمینه انقلاب را در ایران ایجاد کرد. شعارهای انقلابیون نیز در جهت تأمین آزادی‌های سیاسی و تحقق عدالت در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره بود.

با پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی مساله تحقق عدالت مورد توجه انقلابیون قرار گرفت و در قانون اساسی به آن تأکید شد. نخبگان اجرایی جمهوری اسلامی نیز با توجه به اهداف انقلابیون ملزم به تحقق چندساحتی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی عدالت بودند لیکن ابعاد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی عدالت اجتماعی به طور متوازن در جامعه رخ نداد؛ این سوال پیش می‌آید چه عواملی اثرگذار در عدم تحقق متوازن عدالت در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در جامعه شده است؟ چه نگرشی و عملکردی نخبگان اجرایی جمهوری اسلامی نسبت به تحقق عدالت در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در جامعه داشتند؟ نخبگان اجرایی جمهوری اسلامی با توجه به مبانی دینی انقلاب اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی بر اساس نگرش اسلامی و اثرپذیری از نگرش غربی عدالت به دنبال تحقق عدالت با توجه نیازهای جامعه و مقتضیات بین‌المللی بودند؛ ترجیح نیازهای اکثریتی جامعه و تصمیم‌گیری تک‌ساحتی نیازهای اکثریتی جامعه باعث مغفول ماندن نیازهای چندساحتی جامعه و محرومیت نسبی

عدالت در اندیشه و عمل نخبگان اجرایی جمهوری اسلامی □ ۲۱۱

جامعه در تامین نیازهای چندساحتی و پیروزی دولت های با شعار تک ساحتی نیازهای محروم شده جامعه شده است.

در خصوص عدالت در اندیشه و عمل با وجود اهمیت آن در نظام جمهوری اسلامی برآمده از انقلاب اسلامی فعالیت های پژوهشی زیادی صورت نگرفته است. غلامرضا خواجه سروی (۱۳۸۶) در مقاله فرار و فرود گفتمان عدالت در جمهوری اسلامی ایران به بررسی گفتمان های مختلف دولت ها از ابتدایی انقلاب تا دوره احمدی نژاد پرداخته است اینکه در دولت میرحسین موسوی عدالت اجتماعی و دغدغه مستضعفان، در دوره هاشمی توسعه اقتصادی و دوره خاتمی دغدغه سیاسی و دوره احمدی نژاد عدالت برمدار شریعت و انقلابی بوده است. جعفر رضایی (۱۳۹۷) در مقاله آسیب شناسی الگوی عدالت در دولت های جمهوری اسلامی با تاکید بر اندیشه امام خمینی و آیت الله مطهری با رویکرد انتقادی به بررسی دغدغه عدالت اجتماعی و حمایت از طبقات محروم میرحسین موسوی، عدالت اجتماعی در چارچوب رشد اقتصادی و خصوصی سازی هاشمی رفسنجانی، کاهش تصدی گری دولت در امور اقتصادی و آزادی های بیان و اندیشه خاتمی و فقرزدایی و محرومیت زدایی احمدی نژاد پرداخته است. علیرضا زهیری (۱۳۹۰) در رساله دکتری رابطه گفتمان سازندگی، اصلاحات و اصول گرایی با شکل گیری هویت در جمهوری اسلامی به تسلط گفتمان های سازندگی، اصلاحات و اصولگرایی در مقطع زمانی و طرد گفتمان های دیگر با توجه به پیوند با منابع قدرت پرداخته است و اینکه در این موقعیت گفتمان های حاشیه ای از طریق بازنمایی به رقابت با گفتمان مسلط می پردازند.

پژوهش های صورت گرفته در خصوص عدالت اجماع نظری در خصوص گفتمان خاص در هر دولت دارن؛ اینکه در دولت میرحسین موسوی عدالت اجتماعی، هاشمی رشد و توسعه اقتصادی، خاتمی توسعه سیاسی و احمدی نژاد فقر زدایی و محرومیت زدایی مورد توجه فعالیت های پژوهشی صورت گرفته است. لیکن صرف توصیف گفتمان ها در دولت های جمهوری اسلامی نمی تواند مصادیق عدالت در جمهوری اسلامی را پوشش دهد. جمهوری اسلامی ایران برآمده از انقلاب اسلامی

صرفاً اهداف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و غیره نامتوازن نداشت. تحقق عدالت به صورت تک‌ساحتی طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیست. نگاه تک‌ساحتی نه تنها محرومیت چندساحتی مطالبات مردم را تضعیف می‌کند بلکه سیالیت مطالبات مردمی را تشدید می‌کند.

هدف و ضرورت از پژوهش تصمیم‌گیری منطقی بین مردم و نخبگان اجرایی می‌باشد... اینکه خط مش تک‌ساحتی عدالت توسط نخبگان اجرایی در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به نوبه خود مطالبات چندساحتی متوازن مردم را پاسخ نمی‌دهد. محرومیت از برخی مطالبات عدالت خواهانه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به نوبه خود نه تنها سیالیت نیازهای چندساحتی را ایجاد می‌کند بلکه با واکنش‌های مردمی و ترجیحات تک‌ساحتی در انتخابات نخبگان اجرایی می‌شود. چنین شرایطی نه تنها با مطالبات مردمی در قانون اساسی ناسازگاری دارد بلکه منجر به تداوم سیالیت مطالبات مردمی و واکنش‌های مردم نسبت به محرومیت برخی از مطالبات خود می‌شود. این امر به نوبه خود زمینه مغفولیت نیازهای چندساحتی توسط نخبگان اجرایی و تضعیف تصمیم‌گیری منطقی در برنامه‌ریزی نخبگان اجرایی و انتخاب نخبگان اجرایی توسط مردم می‌شود.

در این مقاله سعی می‌شود با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی با رویکرد نهادگرایی با توجه به میراث نهادی دین اسلام در قانون اساسی به بررسی و ارزیابی عدالت در اندیشه و عمل در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نخبگان اجرایی جمهوری اسلامی پرداخته شود.

چارچوب مفهومی و نظری عدالت

عدالت در لغت در مقابل مفاهیمی چون ظلم و جور به کار می‌رود و مترادف با مفاهیم قسط، انصاف، اعتدال، میانه، انصاف، توازن، مساوات، برابری و... به کار برده شده است. به لحاظ نظری نیز نسبت به این واژه برداشت‌های متکثری وجود دارد؛ لیبرال‌ها عدالت را از زاویه فردگرایی در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نگاه می‌کنند. جان استوار بر امکان حق ابراز بیان هر فرد در میان اکثریت مخالف، نوزیک بر اقتصاد آزاد و عدم مداخله دولت (لسناف، ۱۳۸۵: ۳۷۸-۳۷۷) و

عدالت در اندیشه و عمل نخبگان اجرایی جمهوری اسلامی □ ۲۱۳

جان رالز بر برابر فرصت در رسیدن به حقوق و آزادی ها، تامین حقوق و آزادی های بنیادین و پذیرش نابرابری اجتماعی و اقتصادی منتهی با تامین منافع طبقات پائین تاکید می کنند (Amodio, 2020). سوسیالیست ها با رویکرد اقتصادی و اجتماعی اعتقاد به مالکیت عمومی و برنامه ریزی دولت در بازتوزیع ثروت و مساوات در میان مردم اعتقاد دارند؛ مورلی علت تمام بدبختی را مالکیت خصوصی می داند و باور دارد با لغو مالکیت خصوصی می توان نابرابری اجتماعی را از بین برد و همه مالکیت را به دولت منتقل کرد. (بخشایشی اردستانی، ۱۳۸۴: ۱۸۴).

دین اسلام نیز نسبت به عدالت نگاه چند ساحتی و متوازن در زمینه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و مبتنی بر برخورداری مساوی همه مردم از حقوق و آزادی دارد؛ در آیه ۲۸ سوره شوری بر مشورت کردن مومنان با یکدیگر، در آیه ۲۵۶ سوره بقره بر عدم اکره در پذیرش دین، در آیه ۲۹ سوره نساء بر برخورداری از اموال مشورع ناشی از تجارت و در نامه ۲۵ نهج البلاغه بر رفع فقر و محرومیت تاکید دارد. اندیشمندان اسلام نیز تفاسیر متنوعی از عدالت در اسلام دارند؛ آیت الهی نراقی لذت حکمرانی و سلطنت شهریار را در عدل و دادخواهی می داند (علیخانی، ۱۳۸۸: ۳۷۲)؛ شهید مطهری برای امکان شرایط مناسب برای رشد استعدادها و تحقق حق ها بر اساس ذی خق می داند (مطهری، ۱۳۸۷: ۹۸)؛ امام خمینی نیز عدالت را حد وسط بین افراط (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۳) و خدمتگزاری به طبقات محروم می داند. وی در سخنانی به مجلس و دولت توصیه می کند، در خدمتگزاری به طبقات محروم و مستضعف دریغ نکنند و براین باور است این انقلاب ناشی از فداکاری همین طبقات بوده است و تداوم آن هم مرهون همین طبقات خواهد بود (امام خمینی، ۱۳۷۴: ۱۳).

قانون اساسی جمهوری اسلامی نهاد تعیین بخش در کشور بر اساسی میراث نهادی دین اسلام تحقق عدالت به صورت متوازن را یکی از وظایف دولت جمهوری اسلامی دانسته است؛ اصل بیست و چهارم بر آزادی نشریات و مطبوعات در چارچوب مبانی اسلام و حقوق عمومی، اصل بیست و ششم بر آزادی احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیتهای دینی با

رعایت استقلال، تمامیت ارضی و موازین اسلامی، اصل بیست و هفتم بر آزادی راهپیمایی و تشکیل اجتماعات با رعایت مبانی اسلام و بدون حمل سلاح، اصل بیستم بر برخورداری زن و مردم از حقوق یکسان اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی طبق موازین اسلام، اصل سی ام بر امکانات آموزشی و پرورشی رایگان تا پایان دوره متوسطه و تا حد امکان در تحصیلات عالی، اصل سی و یکم بر حق هر فرد ایرانی در برخورداری از مسکن و تلاش دولت در این امر، اصل چهل و سه بر تامین نیازهای اساسی مانند مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت و غیره و ایجاد شرایط اشتغال برای همگان و اصل چهل و هفتم بر حمایت از مالکیت مشروع تاکید دارند.

همانطوری که در اصول قانون اساسی نیز ذکر شد، قانون اساسی مبتنی بر میراث نهادی دین اسلامی بر تحقق چندساحتی عدالت در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تاکید دارد. با توجه به اینکه قانون اساسی پایه و اساس جمهوری اسلامی می باشد بایستی بررسی شود تا چه حدودی اثر گذار در رفتار و کنش های نخبگان اجرایی بوده است. هرمن فاینر قانون اساسی را به عنوان نظام نهادهای سیاسی بنیادین می داند(مارش و استوکر، ۱۳۷۸: ۸۷) رهیافت قانونی- رسمی در نهادگرایی، قواعد و رویه ها را به عنوان متغیر مستقل در رفتارها و کنش ها می داند؛ اینکه این قواعد هستند که رفتار را تجویز می کنند یعنی رفتار به دلیل یک قاعده مشخص اتفاق می افتد(مارش و استوکر، ۱۳۷۸: ۸۹). جانسون استدلال می کند نهادها به عنوان تعیین کننده رفتار و فعالیت سیاسی عمل می کنند(مارش و استوکر، ۱۳۷۸: ۸۹). مایکل اوکشات نیز باور دارد نهادهای سیاسی به لحاظ ماهیتی می توانند در راستای اهداف سیاسی به اعضاء جامعه دستوراتی دهند(مارش و استوکر، ۱۳۷۸: ۸۹). البته نهادهای سیاسی توانایی انطباق خود طبق شرایط سیاسی، اجتماعی و غیره را دارند.

نخبگان اجرایی در جمهوری اسلامی نیز ضرورت داشت طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی مبتنی بر دین اسلام به دنبال تحقق عدالت چندساحتی باشند لیکن در دوره های مختلف بنا به ترجیحات خود، شرایط داخلی تقاضای مردمی و اقتضائات بین المللی دو نگرش لیبرالیستی و سوسیالیستی به سمت تحقق تک ساحتی عدالت با مغفولیت چندساحتی عدالت رفتند که منجر به

عدالت در اندیشه و عمل نخبگان اجرایی جمهوری اسلامی □ ۲۱۵

پیروزی دولت های با نگرش های تک ساحتی عدالت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شد؛ دولت های میرحسین موسوی ساحت اقتصادی و اجتماعی با نگاه توزیعی با برنامه رفع فقر و محرومیت طبقات پائین، هاشمی رفسنجانی ساحت اقتصادی و فرهنگی و ترجیحا اقتصادی با نگاه تولیدی با برنامه افزایش تولید و حمایت از بخش خصوصی و ارتقاء منزلت اجتماعی بانوان، سید محمد خاتمی ساحت سیاسی و فرهنگی و ترجیحا سیاسی با برنامه تقویت نهادهای مدنی و تکثرگرایی و ارتقاء منزلت اجتماعی بانوان و احمدی نژاد ساحت اقتصادی و اجتماعی با نگاه توزیعی با برنامه بازتوزیع ثروت به نفع مردم را ترجیح دادند.

نگرش تک ساحتی نخبگان اجرایی جمهوری اسلامی باعث سیالیت مطالبات مردمی و تغییر دولت ها با مطالبات جدید شده است. ترجیحات عدالت توزیعی میرحسین موسوی در امر اقتصادی و ایجاد منزلت اجتماعی طبقات پائین باعث افزایش تصدی گری دولت و تضعیف انباشت ثروت مبتنی بر بازار آزاد شد که منجر به پیروزی دولت هاشمی با ترجیحات آزادی سازی اقتصادی و خصوصی سازی دولت وی شد. ترجیح ساحت اقتصادی عدالت در دوره هاشمی نیز منجر به مفقود ماندن مطالبات سیاسی مردم در دوره هاشمی شد و زمینه پیروزی دولتی با مطالبات سیاسی شد. اولویت ساحت سیاسی عدالت در دولت خاتمی نیز به نوبه خود زمینه کم توجهی به وضعیت معیشتی طبقات پائین و پیروزی محمود احمدی نژاد با حمایت از طبقات محروم و پائین شد.

عدالت در اندیشه و عمل میرحسین موسوی

میر حسین موسوی اولین نخست وزیری دوران انقلاب اسلامی بود که با ریاست جمهوری حضرت آیت الله خامنه ای به مدت ۸ سال کشور را اداره کردند. در دهه اول انقلاب بعد از ولی فقیه، قوه مجریه دو رکنی بود. رئیس جمهور توسط مردم انتخاب می شد و بعد از انتخاب نخست وزیر را معرفی می کرد. با توجه به اینکه مسئولیت اجرایی کشور دست نخست وزیر و کابینه وی بود نگرش های عدالت محورانه میرحسین موسوی را بررسی خواهیم کرد. وی با توجه نگرش اسلام محورانه خود و شرایط حاکم نظام دوقطبی لیبرالیستی و کمونیستی در جهان و تاثیرات آنها

در نگرش‌های ضداستعماری در عرصه جهانی و همچنین محوریت عدالت در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی با هدف توزیع ثروت برای کاهش فقر و محرومیت و افزایش منزلت اجتماعی طبقات محروم در میان انقلابیون، عدالت اقتصادی و اجتماعی با برنامه توزیعی برای کاهش شکاف‌های طبقاتی و افزایش منزلت اجتماعی طبقات محروم را اولویت برنامه‌های خود قرار داد.

میرحسین موسوی تحقق عدالت در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی را با افزایش تصدی‌گری دولت در امر اقتصادی و بازتوزیع ثروت برای محرومیت‌زدایی و افزایش منزلت طبقات پائین جامعه می‌دانست و معتقد بود باید گودالهای وحشتناک طبقاتی در کشور بر طرف شود (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۰/۸/۱۹). وی معتقد است؛ حمایت از محرمان را از قرآن، نهج‌البلاغه و روحانیت خودمان و از امام امت یاد گرفته‌ایم و شعار و صحبت ایشان را شنیده‌ایم که فرمودند این گودنشینان بر گردن ما حق دارند. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۶۴/۵/۲۸). موسوی در زمینه فقرزدایی، ضرورت تامین کالاهای اساسی به صورت کوپنی برای حمایت از طبقات آسیب‌پذیر را مورد توجه قرار داد. دولت با تامین کالاهای اساسی مانع افزایش قیمت کالاهای اساسی شد. در کنار آن تعاونی‌های مصرف در رابطه با اقلام و کالاهای عمومی در کشور ایجاد شد و حدود ۴۱ درصد در گروه لوازم برقی، لوازم خانگی و منسوجات در اختیار تعاونی‌ها قرار گرفت (اسلامی نسب، ۱۳۶۴). در کنار رفع فقر و محرومیت طبقات مستضعف، بر رفع بیکاری نیروهای فعال جامعه با تقویت بخش تعاون (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۴/۲/۳) و بنگاه‌های کوچک تاکید داشت که با رشد همراه بود؛ تعداد کارکنان بنگاه‌های کوچک از ۱/۹ درصد به ۲/۳ در سالهای ۱۳۵۵ ش تا ۱۳۶۵ ش رسید (بهداد، ۱۳۸۶: ۱۴۶) در حوزه مسکن ۴۹۴ شرکت تعاونی مسکن طی سالهای ۶۴-۶۶ ش تشکیل شد و تعداد ۲۱۹۹۸ واحد مسکونی را تکمیل کردند (صالحی، ۱۳۸۱). برنامه‌های دولت میرحسین موسوی با وجود شرایط شرایط جنگی و تحریم‌های خارجی توانست مانع افزایش فاصله طبقاتی و فقر و محرومیت بیشتر شود؛ طبق برآورد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی ضریب چینی روستا و شهر در مجموع بین ۱۳۶۳-۱۳۶۸ حدود ۰/۴۴۶، نسبت درآمدی دهک بالا به پائین ۲۲/۷۴ و نسبت

عدالت در اندیشه و عمل نخبگان اجرایی جمهوری اسلامی □ ۲۱۷

دو دهک بالا به پائین ۱/۵۱ می باشد (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۴: ۲۰۰). همچنین در سال ۱۳۶۳ ش جمعیت زیر خط فقر در مناطق شهری ۲۷ درصد و روستایی ۲۸ درصد بود در سال ۱۳۶۶ ش به ۲۵ درصد شهری و ۱۴ درصد روستایی رسید (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۴: ۱۹۸).

ترجیح امر اقتصادی و اجتماعی با توجه به شرایط جنگی با برنامه توزیعی برای کاهش فقر و محرومیت در دولت میرحسین موسوی، باعث کم توجهی به امر سیاسی و اقتصادی با برنامه تولیدی و انباشت ثروت ناشی از بخش خصوصی در این دوره شد. در زمینه سیاسی نه تنها امر کثرت گرایی سیاسی با رویکرد افزایش منزلت اجتماعی نیروهای دگراندیش و روشنفکری با توجه شرایط جنگ و ضرورت ایجاد نظم سیاسی ایجاد نشد؛ صرفاً حزب جمهوری اسلامی با دو نگرش راست و چپ اسلامی فعالیت می کرد و در زمینه اقتصادی ترجیح اقتصاد بریزی دولتی برای رفع فقر و محرومیت منجر به ایجاد برخی چالش ها مانند بیکاری با توجه به افزایش جمعیت و تورم با وجود به کمبود برخی از کالاها شد؛ در سال ۱۳۵۵ نسبت بیکاران به جمیت فعال ۹ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۱۴/۱ درصد (اطهاری، ۱۳۶۸) و نرخ متوسط تورم در سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ تا مرز ۳۰ درصد رسید (تقوی، ۱۳۸۲). بدین جهت نگاه تک ساحتی اقتصادی و اجتماعی با برنامه تصدی گری اقتصادی دولت با توجه به شرایط جنگی و توقعات انقلابیون در رفع فقر و محرومیت زمینه کاهش سرمایه بخش خصوصی برای افزایش ثروت جامعه و ایجاد برخی مسائل مانند بیکاری، تورم و غیره شد که در دولت هاشمی به جای تداوم چنین برنامه های اقتصادی و اجتماعی، ترجیح ساحت اقتصادی با رویکرد کاهش تصدی گری دولتی و افزایش موقعیت بخش خصوصی برای ایجاد شرایط رقابتی در امر اقتصادی با حمایت از طبقات سرمایه دار شد.

عدالت در اندیشه و عمل هاشمی رفسنجانی

بعد از تغییرات در قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ و حذف نخست وزیری، قدرت اجرایی در اختیار ریاست جمهوری متمرکز شد. در این سال هاشمی رفسنجانی در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شد و اداره قوه مجریه را بدست گرفت. دوره ریاست جمهوری هاشمی همزمان با تغییر سیاستهای

اقتصادی برخی از کشورها به ویژه در اروپای شرقی به سمت شیوه اقتصاد آزاد بود. هاشمی با توجه به تغییر شیوه اقتصاد سوسیالیستی به لیبرالیستی در جهان و دیدگاه بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول مبنی بر توجه به اقتصاد آزاد در کشورها و گرایش خودش به اقتصاد آزاد دولت خود را دولت سازندگی با افزایش دادن اعتبار به بخش خصوصی در سازندگی کشور قلمداد کرد.

هاشمی رفسنجانی اقتصاد دولتی را باعث کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی داخلی و خارجی در امور اقتصادی و افزایش مسئولیت‌های دولت می‌دانست و خواهان کاهش تصدی‌گری اقتصادی دولت، آزادسازی اقتصادی و افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی بود. هاشمی در خطبه نماز جمعه گفت سرمایه‌گذاری ذاتاً شر نیست و می‌تواند در طرح‌های تولیدی به نفع جامعه باشد (بهداد، ۱۳۸۶: ۸۸). وی با نگرش اسلامی، انباشت مشروع ثروت و زندگی سعادت‌مند را مغایر با ارزشهای اسلامی و قانون اساسی نمی‌دانست. ایشان پیشرفت و ترقی را در سنت اسلامی و جوامع مترقی با میدان دادن به بخش خصوصی با کاهش مسئولیت دولت می‌دانست (حمیدی، ۱۳۸۰: ۱۰۵) و برنامه‌های خود را در جهت کاهش تصدی‌گری دولت با واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی می‌دانست؛ برنامه‌های هاشمی رفسنجانی در جهت تقویت بخش خصوصی باعث رشد اشتغال بنگاه‌های خصوصی نسبت به دولتی شد؛ به طوری نسبت حقوق‌بگیران بخش خصوصی در ۱۳۶۵ هـ ش حدود ۱۷ درصد بود با اجرایی سیاست خصوصی سازی در دوره وی به ۲۲/۴ درصد در ۱۳۷۵ رسید و در عوض حقوق‌بگیران بخش عمومی از ۳۴/۴ درصد در ۱۳۶۵ هـ ش به ۲۹/۲ درصد در ۱۳۷۵ هـ ش رسید (مهاجرانی، ۱۳۷۷). وی در مسیر آزاد سازی اقتصادی بسیاری از یارانه‌های فقرذایی کوپنی موسوی با خارج کردن تدریجی برخی کالاها از نظام سهمیه بندی، کاهش تعداد کوپن‌های اعلام شده (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۴: ۲۰۸) و غیره تعدیل کرد (مدنی قهفرخی، ۲۰۸: ۱۳۹۴).

برنامه‌های خصوصی سازی وی در کاهش بیکاری با فعال شدن سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی تاثیر گذار بود؛ طبق برآوردها بیکاری در سال ۱۳۶۵ هـ ش حدود ۱۴/۲ درصد بود در سال

عدالت در اندیشه و عمل نخبگان اجرایی جمهوری اسلامی □ ۲۱۹

۱۳۷۰ به ۱۱/۱ درصد، در سال ۱۳۷۵ حدود ۹ درصد و در سال ۱۳۷۶ به ۱۳/۱ درصد رسید (غروی نخبجویانی، ۱۳۸۱). هرچند نواقضی نیز در امر خصوصی سازی وجود داشت از مسیر خصوصی سازی واقعی فاصله داشت؛ با توجه به دسترسی برخی مدیران به اطلاعات اقتصادی مسیر خصوصی سازی در جهت منافع آنها پیش می رفت. برخی مدیران در جریان خصوصی سازی خود طبقه نوحاسته سرمایه دار وابسته به دولت شدند و دسته دیگر ضمن حفظ مشاغل دولتی و مقاومت در برابر واگذاری صنایع دولتی، دست به سرمایه گذاری در تجارت و سازه های بزرگ شهری زدند (زنوز، ۱۳۸۴) در این دوره همچنین وام های وسیعی به سمت تولید نرفت و به سمت فعالیت های غیر تولیدی و غیرصنعتی طبقات خاص حرکت کرد (صادقی، ۱۳۷۸: ۲۴)؛ انتقال ثروت به طبقه فاقد منشاء تولیدی نه تنها به تشدید فشارهای تورمی و رواج مصرف ظاهری شد بلکه شکاف طبقاتی و افراد زیر خط فقر را تشدید می کرد (رشیدی، ۱۳۷۳)؛ به عنوان مثال نسبت سهم ۱۰ درصد ثروتمندان به ۱۰ درصد فقرا کل کشور از ۲۳/۱۸ درصد در ۱۳۶۸ ه ش به ۲۷/۳۱ درصد در ۱۳۷۱ ه ش رسید. درصد فقر مطلق در جامعه شهری از ۴۹ درصد سال ۱۳۶۹ ه ش به ۵۷ درصد سال ۱۳۷۱ ه ش رسید (سیف زاده، ۱۳۸۸).

دولت هاشمی در کنار ترجیح خصوصی سازی برای افزایش تولید و انباشت ثروت، برنامه های آموزشی برای افزایش نرخ باسوادی در کشور و حمایت از عدالت جنسیتی را در برنامه های خود قرار داد. چنین شرایط فرصت مناسب برای دسترسی همگان به ویژه زنان برای امکانات آموزشی شد؛ در سال ۱۳۶۵ ه ش جمعیت باسواد کشور ۷۷ / ۶۱ درصد بود و در سال ۱۳۷۵ به ۷۹ / ۷۹ رسید (زیباکلام، ۱۳۸۹). در زمینه منزلت اجتماعی بانوان در نیمه اول دهه ۱۳۷۰ ه ش فضای مناسبی برای بانوان در زمینه آموزشی با تاسیس دانشگاه زنان در تهران، قم و رودهن، لغو محرومیت پذیرش دختر برای کلیه رشته ها دانشگاهی در ۱۳۷۱ ه ش، تاسیس دانشگاه بانوان تحت عنوان دانشکده روانشناسی بالینی زنان زیر نظر معاونت فرهنگی خواهران دانشگاه آزاد اسلامی رودهن ایجاد کرد (زیباکلام، ۱۳۸۹). ترجیح ساحت اقتصادی و فرهنگی عدالت در دوره هاشمی رفسنجانی

منجر به ظهور طبقه متوسط در این دوره شد ولی انقباض جامعه مدنی سبب بیگانگی افشارتحصیل کرده و روشنفکر از نظام سیاسی و دولت شد (زیباکلام، ۱۳۸۹). برخورد گروههای فشار در دوره هاشمی با اساتید و دانشجویان و اخراج برخی از اساتید مجرب فضای حاکم دانشگاه را تبدیل به مخالفان وی می کرد (زیباکلام، ۱۳۸۹). مشارکت مردم در امر سیاسی، فعالیت احزاب سیاسی و مطبوعات نیز چندان مورد توجه نبود؛ در دوره هاشمی با وجود جایگاه شوراها در قانون اساسی تا ۱۳۷۷هـ ش اجرا نشد. هاشمی تمایلی به اجرای قانون احزاب سیاسی مصوبه ۱۳۶۷هـ ش نیز نداشت؛ پس از تصویب «قانون احزاب سیاسی» در آذر ماه ۱۳۶۷هـ ش، ۲۹ حزب، گروه و جمعیت تقاضای ثبت رسمی خود را به وزارت کشور تسلیم کردند، ولی هیچکدام اجازه فعالیت نیافتند. هاشمی فعالیت احزاب را صرفاً در جارجوب فعالیت اقتصادی قبول داشت وی باور داشت دو تعریف از احزاب بیشتر وجود ندارد پیروی از خط امام و سازندگی و نقطه مقابل آن و تعریف های چپ و راست و سنتی و مدرن را قبول ندارم (زیباکلام، ۱۳۸۹). مطبوعات نیز چندان وضع مناسب نداشتند و به طور گزینشی حق انتشار داشتند. تعداد مطبوعات دارای مجوز کشور در سال ۱۳۵۷هـ ش به ۹۳۱ و در سال ۱۳۷۷هـ ش به ۱۱۱۷ عنوان افزایش یافته است که از این تعداد عملاً در سال ۱۳۷۷، حدود ۸۴۶ عنوان منتشر می شده است و مابقی به دلایل مختلف (نرسیدن به مرحله انتشار، توقف و لغو مجوز) منتشر نشده است (زیباکلام، ۱۳۸۹).

در واقع ترجیح ساحت اقتصادی و فرهنگی و ترجیحاً ساحت اقتصادی با رویکرد خصوصی سازی و آزادسازی اقتصادی و کم توجهی به ساحت سیاسی عدالت در دولت هاشمی رفسنجانی، جهت گیری مردم نسبت به ساحت سیاسی عدالت با توجه به افزایش طبقه متوسط ناشی از افزایش جمعیت شهرنشینی و تحصیل کرده و غیره را تشدید کرد و منجر به پیروزی ساحت سیاسی عدالت مورد توجه خاتمی در مبارزات انتخابات شد.

عدالت در اندیشه و عمل خاتمی

عدالت در اندیشه و عمل نخبگان اجرایی جمهوری اسلامی □ ۲۲۱

دوره خاتمی به دوره اصلاحات شناخته شده است. گفتمان خاتمی در انتخابات در چارچوب توسعه سیاسی قرار داشت. توسعه و عدالت در ساحت سیاسی که در دوره موسوی با توجه به شرایط جنگی و در دوره هاشمی به خاطر دغدغه اقتصادی هاشمی کم توجهی شده بود، در دوره خاتمی با توجه به سابقه فعالیت ایشان در حوزه های سیاسی و فرهنگی بیشتر اهمیت پیدا کرد. خاتمی با نگرش مردم سالاری دینی و در چارچوب قانون اساسی آزادی و کثرت گرایی سیاسی در ساحت سیاسی را به عنوان اولویت های خود قرار داد. وی تکثرگرایی و آزادی را از حقوق طبیعی و بنیادین هر شهروند و مصونیت چنین حق را طبق قانون اساسی (خاتمی، مردم سالاری، ۱۳۸۰: ۹۱) به عنوان وظیفه دولت می دانست (خاتمی، ۱۳۷۹: ۶۰-۵۹). وی نه تنها تکثر و تحزب را متعارض با امنیت نمی دانست بلکه لازمه امنیت می دانست (تاجیک، ۱۳۷۹: ۲۰۱). خاتمی وجود نهادهای مدنی، احزاب، گروهها و انجمنهای برآمده از اراده مردم در جامعه را یکی از مؤلفه های افزایش مشارکت پذیری مردم و صاحب حق داشتن در امور جامعه می دانست.

برنامه های خاتمی در ساحت سیاسی اثرگذار در مشارکت مردم در امر سیاسی و زمینه مناسب فعالیت های سیاسی در جامعه شد. در امر مشارکت سیاسی اولین دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا در اسفند ۱۳۷۷ ه ش برگزار شد. در زمینه فعالیت سیاسی احزاب در ۱۳۷۹ ه ش خانه احزاب تشکیل شد و امکان صدور مجوزهای فعالیت احزاب و گروهها و همچنین برگزاری مجوزهای راه پیمایی ها تسریع شد. تعداد پروانه فعالیت تشکل های حزبی و سیاسی قبل از ۱۳۷۶ ه ش حدود ۳۸ بود؛ بین ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳ ه ش حدود ۱۸۳ رسید. فعالیت تشکلهای صنفی و تخصصی قبل از ۱۳۷۶ ه ش حدود ۹۰ بود؛ بین ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳ ه ش به ۱۸۳ رسید. پروانه فعالیت تشکلهای اقلیت دینی قبل از ۱۳۷۶ ه ش حدود ۲۲ بود؛ بین ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳ ه ش به ۲۵ رسید. پروانه فعالیت تشکلهای زنان قبل از ۱۳۷۶ حدود ۳ بود؛ بین ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳ ه ش به ۱۰ رسید. مجوز برپایی راهپیمایی سیاسی و تجمع قبل از ۱۳۷۶ ه ش صفر بود بین ۱۳۷۶ ه ش تا ۱۳۸۳ ه ش به ۱۰۱ رسید (رحمانی، ۱۳۹۵). در عرصه مطبوعات نیز تغییرات مهم ایجاد شد تعداد مجوزهای مطبوعاتی

۲۲۲ □ فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های انقلاب اسلامی، س ۴، زمستان ۹۴، ش ۱۵

نیز افزایش یافت؛ تعداد متقاضیان مجوز فعالیت مطبوعاتی از ۳۰۲ نفر در سال ۱۳۷۵ ه ش به ۵۹۱ نفر در ۱۳۷۶ ه ش، به ۱۰۷۵ نفر در ۱۳۷۷ ه ش، به ۱۴۶۰ نفر در ۱۳۷۸ ه ش، به ۲۱۵۹ نفر در ۱۳۷۹ ه ش، به ۲۴۹۱ نفر در ۱۳۸۰ ه ش رسید. در این دوره پیش از ۴ هزار نهاد مدنی غیردولتی در وزارت کشور ثبت شد که دولت به آنها ۵ میلیارد تومان یارانه در نظر گرفت (پروهان، ۱۳۸۲).

خاتمی در کنار ساحت سیاسی عدالت ساحت فرهنگی عدالت به ویژه حقوق زنان را یکی از اهداف خود قرار دارد. وی بر این باور است همانطوری که برای مردان صاحب حق و آزادی قائل هستیم، برای زنان نیز چنین حقی قائل شویم. به نظر وی یکی از عوامل و اسباب مهمی که تاریخ را مردانه کرده است این بوده که زن به هر دلیل از حضور در مسئولیتهای مهم اجتماعی منع یا حضور او محدود شده است و مردان در غیبت زنان خود نمایی کرده اند (خاتمی، ۱۳۹۳: ۸۲). وی بر این باور است زنان در طول تاریخ مظلوم بودند بیشتر همیشه حقوق شوهران تا زنان بیان شده است حتی در خیلی از خانواده ها هم حقوق فقهی هم رعایت نمی شود (لعلی، ۱۳۷۸: ۲۴). وی باور دارد باید هر دو موجود را با فرصت مناسب و مساوی در معرض رشد قرارداد و آن وقت دید که زنان ما مثل مردان ما توانایی رشد دارند و شایستگی فراوانی دارند (لعلی، ۱۳۷۸: ۲۳۸). دولت خاتمی در راستای برنامه افزایش منزلت اجتماعی بانوان، دفتر امور بانوان را به مرکز امور مشارکت زنان با هدف توسعه ارتباط میان نیروها و تشکل های زنان در سطح داخلی و بین المللی از طریق مشارکت در همایش ها و کنگره ها داخلی و بین المللی، ارتباط با آژانسهای بین المللی و تشکیل کمیته هایی چون کمیته امحای خشونت علیه زنان ارتقاء داد. علاوه بر مرکز مشارکت زنان، در همین دوره تشکلهای غیر دولتی مانند جمعیت حمایت از حقوق بشر زنان، مجمع اسلامی بانوان، جمعیت زنان انقلاب اسلامی، جامعه اسلامی زنان، جمعیت زنان مسلمان، مجمع اسلامی بانوان تشکیل شد. همچنین نشریات بیشتری در زمینه مسائل زنان مجوز انتشار گرفتند؛ طب ورزش، زنان ایران، زن و پژوهش، حقوق زنان، زن امروز، بانو از جمله نشریاتی بودند که مطالبات و ایده های اصلاح طلبانه زنان را منعکس می کردند (صادقی، ۱۴۰۰) مشارکت زنان در شورای

عدالت در اندیشه و عمل نخبگان اجرایی جمهوری اسلامی □ ۲۲۳

اسلامی نیز از وضعیت بهتری پیدا کردند؛ به طوری که بازه زمانی ۱۳۷۷-۱۳۸۱ هـ ش تعداد کل داوطلبان زن ۲/۱۶ بود که در بازه زمانی ۱۳۸۱-۱۳۸۵ هـ ش به ۲/۶۷ درصد رسید. این تغییرات نشان به افزایش انگیزه و فعالیت زنان در انتخابات بود (درویشی سه تلانی، ۱۳۷۹).

برنامه های خاتمی ترجیحا در ساحت سیاسی عدالت هر چند با برخی از موفقیت ها همراه بود ولی ساحت اقتصادی و اجتماعی مبتنی بر عدالت توزیعی جهت فقرزدایی کم توجهی شد. بیکاری به عنوان یک آسیب اجتماعی به عنوان نمونه در حال رشد بود؛ به گونه ای که براساس گزارش واحد اکونومیست نرخ بیکاری در ایران در سالهای ۲۰۰۲م و ۲۰۰۳م معادل ۱۳/۵ درصد بود. در سال ۲۰۰۴م به ۱۴ درصد افزایش یافت (قویدل، ۱۳۸۷). وضعیت نابرابری درآمد و فقرزدایی نیز چندان وضعیت بهتری پیدا نکرده بود؛ بر اساس برآورد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ضریب چینی در سال ۱۳۷۹ هـ ش حدود ۰/۳۹۹۱ و هزینه دهک دهم به اول ۱۵ بود، در سال ۱۳۸۰ هـ ش ضریب چینی ۰/۳۹۸۵ و هزینه دهک دهم به اول ۱۴/۴ بود، در سال ۱۳۸۱ هـ ش ضریب چینی ۰/۴۱۹۱ و هزینه دهک دهم به اول ۱۶/۲ بود، در سال ۱۳۸۲ هـ ش ضریب چینی ۰/۴۱۵۶ و هزینه دهک دهم به اول ۱۶/۲ بود و در سال ۱۳۸۳ هـ ش ضریب چینی ۰/۳۹۹۶ و هزینه دهک دهم به اول ۱۴/۶ بود (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۴: ۲۶۵)

در واقع کم توجهی به ساحت اقتصادی و اجتماعی عدالت مبتنی بر توزیع ثروت برای فقرزدایی و کاهش فاصله طبقاتی نسبت به ساحت سیاسی عدالت به نوبه خود در روی کار آمدن دولتی با ترجیح ساحت اقتصادی و اجتماعی مبتنی بر توزیع ثروت برای کاهش فاصله طبقاتی، فقرزدایی و غیره نقش داشت که منجر به پیروزی محمود احمدی نژاد با ترجیح ساحت اقتصادی و اجتماعی عدالت شد .

عدالت در اندیشه و عمل احمدی نژاد

دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد نوعی برگشت به یکی از مهمترین آرمان انقلاب اسلامی عدالت اقتصادی و اجتماعی با هدف توزیع ثروت برای طبقات محروم و فقرذایی بوده است. دولت احمدی نژاد عدالت محوری با هدف توزیع عادلانه ثروت و کاهش فاصله طبقاتی و افزایش منزلت اجتماعی طبقات پائین را اهداف دولت خود قرار داد. وی با شعار عدالت محوری و مهرورزی وارد جریان انتخابات شد و دولت خود را دولت عدالت محور با هدف رفع فقر و محرومیت، مبارزه با متجاوزان به بیت المال، کاهش فاصله طبقاتی و مبارزه با تجمل گرایی دانست.

وی تحقق عدالت را از وظایف اصلی دولت خود می دانست و در خصوص تبعیض و عدم دسترسی به امکانات و برقراری عدالت براین باور بود؛ عدالت یعنی اینکه خزانه عمومی متعلق به همه ملت باشد و همه فرصتهای یکسانی برای پیشرفت داشته باشند(روزنامه دنیای اقتصاد، ۸۴/۳/۲۹). وی آبرو نظام را در اجرای عدالت، رفع تبعیض، رضایت مردم، ترویج و فرهنگ اسلامی و رفتار صادقانه و صمیمانه مردم با مسئولان می دانست(فیاضی، ۱۳۸۶: ۱۴۸). وی کاهش فقر و نابرابری درآمدی مردم را در سهم کردن ثروت جامعه می دانست. وی یکی از روشهای عدالت محور دولت خود را خصوصی سازی با واگذاری شرکت های دولتی در قالب سهام می دانست؛ واگذاری شرکت های دولتی در قالب سهام عدالت در دولت احمدی نژاد از ابعاد وسیع برخوردار شد. مجموعه سهام واگذار شده بین ۱۳۸۴-۱۳۸۷ ه ش بالغ بر ۳۷۴۳۳۷ میلیارد ریال و در سال ۱۳۸۰-۱۳۸۳ ه ش حدود ۱۸۸۲۷ میلیارد بوده است(محمد زاده، ۱۳۸۸: ۹۷). هدفمند سازی یارانه نیز در برنامه دولت احمدی نژاد در سالهای آغاز دولت مورد توجه بود. سند کاهش فقر و هدفمندی سازی یارانه ها در ۱۳۸۴ ه ش به استناد ماده ۹۵ قانون برنامه چهارم توسعه تهیه و تصویب هیات وزرا رسید و سپس ابلاغ شد. اصول حاکم بر تصویب این مصوبه دسترسی همه افراد جامعه به حداقل نیازهای اساسی به عنوان حق همگانی، توانمندی سازی فقرا بود(مدنی قهفرخی، ۱۳۹۴: ۱۷۱). این طرح در قالب های مختلف به ویژه پرداخت یارانه تداوم یافت. تولید مسکن با خط مشی های مختلف به ویژه در غالب مسکن مهر نیز برای محرومیت زدایی از طرح

عدالت در اندیشه و عمل نخبگان اجرایی جمهوری اسلامی □ ۲۲۵

های مهم دولت احمدی نژاد بود و توانست بسیاری را در دولت نهم و دهم صاحب مسکن کند؛ به گونه ای که تولید مسکن شهری در ابتدای دولت نهم ۱۳۸۴هـ ش حدود ۵۸۱ هزار واحد، در سال ۱۳۸۶ هـ ش به ۸۳۰ ، در هشت ماه اول سال ۱۳۸۷هـ ش دولت اقدام به تولید ۵۶۸ هزار واحد مسکن شهری کرد. طی سه سال فعالیت دولت نهم حدود ۴۳۰ هزار واحد روستایی احداث یا نوسازی شد (محمد زاده، ۱۳۸۸: ۱۱۳). فرایند ساخت و تولید مسکن تا پایان دولت نهم و دهم محمود احمدی نژاد با تخصیص اعتبارات لازم از برنامه های مهم دولت وی بود و موفقیت های زیادی نسبت به دولت های قبلی داشت.

با این وجود تلاشهای احمدی نژاد در ساحت اقتصادی و اجتماعی عدالت مبتنی بر کاهش فقر، نابرابری درآمد و غیره و برخی موفقیت ها در این زمینه، برای عملیاتی کردن شعارهای خود با برخی ناکامی های نیز همراه بود. یارانه ها، سهام عدالت، برنامه گسترده ساخت مسکن مهر و پرداخت های وسیع برای اشتغال زایی، تورم و افزایش نقدینگی را به همراه داشت. تورم در سال ۱۳۸۴ هـ ش حدود ۱۰/۴ درصد بود در سال ۱۳۸۵هـ ش به ۱۱/۹ درصد، در سال ۱۳۸۶ هـ ش به ۱۸/۴ درصد (عباسی نژاد، ۱۳۹۰)، در سال هـ ش ۱۳۸۸ طبق پایگاه اطلاع رسانی دولت نهم به ۲۱/۵ درصد رسید و در سالهای بعد با نوساناتی ادامه داشت و در ۲۰ دی ماه سال ۱۳۹۱هـ ش بانک مرکزی میزان تورم ۲۷/۴ درصد را اعلام کرد. در ساحت اقتصادی و اجتماعی عدالت و مبارزه با مفاسد اقتصادی نیز دولت احمدی نژاد با وجود شعارهای مبارزه با دست اندازان به بیت المال با ناکامی ها همراه بود. در سال ۱۳۹۰هـ ش اختلاس بانکی ۳ هزار میلیارد تومانی از بانک صادرات رخ داد (کیهان ۱۳۹۰/۶/۱۹). در واقع دولت احمدی نژاد با وجود برخی موفقیت ها مانند پرداخت یارانه ، مسکن مهر و ... ناکامی های در تحقق شعار عدالت محورانه خود مبتنی بر مبارزه با مفاسد اقتصادی و کنترل تورم داشت.

در کنار برخی موفقیت ها و نواقض در عملیاتی کردن برنامه های اقتصادی و اجتماعی در جهت حمایت از طبقات محروم، ساحت سیاسی عدالت مبتنی بر پذیرش تکثرگرایی سیاسی، فعالیت

های حزبی و مطبوعاتی و حفظ منزلت اجتماعی روشنفکران، اساتید، دانشجویان و زنان نسبت به دولت خاتمی کم توجهی شد؛ درست است در این دوره یک زن وزیر بهداشت شد و برخی از زنان در پست های مدیریتی قرار گرفتند و همچنین برنامه توانمندسازی زنان خودسرپرست برای جلوگیری افول به خط فقر مورد توجه قرار گرفت ولی محدودیت های زیادی نسبت به زنان به ویژه بعد از ۱۳۸۸ ه ش ایجاد شد (صادقی، ۱۴۰۰). در ساحت سیاسی نیز فعالیت احزاب سیاسی و مطبوعات با محدودیت های همراه بود تعداد مجوزهای صادره شده تاسیس احزاب نسبت به دوره خاتمی به شدت کاهش یافته بود؛ در بین سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ ه ش تنها ۳۰ مجوز صادر شد. در این دوره همچنین با انحلال برخی از تشکل های سیاسی مانند جبهه مشارکت، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و حزب کارگزاران سازندگی در ۱۳۸۸ ه ش همراه بود. وزارت کشور همچنین صدور پروانه فعالیت بسیاری از احزاب را غیرقانونی و غیرشرعی اعلام کرد؛ مرتضوی معاون سیاسی وزارت کشور فعالیت برخی از احزاب را غیرقانونی و غیرشرعی می دانست و خواهان تصویب قانون احزاب از مجلس شد. در این دوره فعالیت خانه احزاب تا حدودی غیرفعال شد. منطق احمدی نژاد این بود احزاب در سیاست دخالت نکنند. وضعیت مطبوعات نیز چندان مناسب نبود؛ بسیاری از مطبوعات به دلایل مختلف توقیف شدند به گونه ای که از سال ۱۳۷۴ ه ش تا ۱۳۹۱ ه ش جمعاً تعداد ۹۱۱ روزنامه، مجله و نشریه به دلیل تخلف از ماده ۱۵ قانون مطبوعات توسط هیات نظارت بر مطبوعات لغو مجوز شدند. علاوه بر لغو مجوز ماده ۱۶، حدود ۶۰۴ پرونده قضایی مطبوعاتی در مراجع قضایی به اتهامات درج خلاف واقع، توهین به مقدسات و غیره تشکیل شد (غفاری: ۱۳۹۷). چنین کم توجهی به ساحت سیاسی عدالت در دولت احمدی نژاد با ترجیح ساحت اقتصادی و اجتماعی عدالت تاثیرگذار در پیروزی دولت روحانی با ترجیح به ویژه ساحت سیاسی شد.

نتیجه گیری

این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی با رویکرد نهادگرایی با استفاده از متون دست اول و دوم به بررسی و ارزیابی عدالت در اندیشه و عمل نخبگان اجرایی جمهوری اسلامی پرداخت. مساله اصلی در این مقاله سیالیت ساحت های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی عدالت در میان نخبگان اجرایی جمهوری اسلامی و ترجیح ساحت های مورد نیاز جامعه توسط نامزدهای ریاست جمهوری با توجه به محرومیت چنین ساحتی در جامعه بوده است. این مقاله نه تنها به دنبال درک و فهم بهتر از ترجیح ساحت های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی عدالت در میان نخبگان اجرایی بود بلکه به دنبال فهم و ارزیابی نگرش ها و عملکردهای نخبگان اجرایی جمهوری اسلامی بود.

یافته های پژوهش نشان می دهد؛ نخبگان اجرایی جمهوری اسلامی تحقق عدالت را با توجه به قانون اساسی به عنوان نهاد بنیادین و تاثیرگذار بر کنش ها و رفتارهای نخبگان اجرایی و اهداف انقلابی مردم در رأس برنامه خود قرار دادند. برای تحقق آن نیز متأثر از اندیشه های اسلامی، وضعیت موجود جامعه و تاحدودی شرایط حاکم اندیشه ای نظام جهانی (لیبرالیستی و سوسیالیستی) بوده اند. با توجه به شرایط حاکم جنبه های متفاوتی از ساحت اجتماعی، اقتصاد و سیاسی عدالت مورد توجه نخبگان اجرایی جمهوری اسلامی بوده است. در دوره میرحسین موسوی شرایط جنگی و هیجانات انقلابی و نگرش چپ گرانه اسلامی وی از یک طرف و رقابت دو قدرت جهانی با دو ایدئولوژی کمونیستی و سرمایه داری و گرایش برخی جوامع به سمت ایدئولوژی سوسیالیستی و کمونیستی با توجه به جنبش های استقلال طلبانه جهان سوم، توجه به ساحت اقتصادی و اجتماعی عدالت در قانون اساسی مبتنی بر رفع فقر و محرومیت زدایی بر ساحت سیاسی عدالت مبتنی بر تکرر گرایی سیاسی و رقابت های حزبی ترجیح داده شد؛ برنامه دولت در ساحت اقتصادی و اجتماعی، دولتی کردن اقتصاد و توزیع یارانه به صورت کوپن و تعاونی سازی اقتصاد برای رفع بیکاری و مشارکت مردم در امر اقتصادی و غیره با هدف رفع فقر و محرومیت در جامعه بود و تاثیرگذار بر وضعیت معیشتی مردم با توجه به شرایط جنگی داشت هرچند با

مشکلاتی مانند تورم و کاهش سطح تولید به همراه داشت که تاثیرگذار در برنامه هاشمی رفسنجانی با ترجیح ساحت اقتصادی عدالت با برنامه تولیدی و حمایت از طبقات سرمایه دار داشت. ساحت سیاسی نیز در دوره موسوی با توجه به شرایط جنگی و امکان بی نظمی های سیاسی به غیر از حزب جمهوری اسلامی با دو نگرش راست و چپ اسلامی امکان فعالیت احزاب دیگر نبود. در واقع فضای سیاسی کشور تحت تأثیر بسیج توده های مردم برای شرکت در جنگ قرار گرفته بود.

دوره هاشمی به دوره سازندگی هم معروف شده است که پس از خاتمه جنگ تحمیلی می باشد. دولت هاشمی مواجه با خرابی های ناشی از جنگ و وضعیت نامناسب اقتصادی بوده است. برای حل این مشکلات مقوله ساحت اقتصادی با ایجاد فضای مناسب برای سرمایه گذاری بخش خصوصی و تعدیل اقتصاد برنامه ریزی دولتی میرحسین موسوی مورد توجه قرار داد؛ دولت در جهت آزاد سازی اقتصادی با توجه به توصیه های نهادهای مالی جهانی در جهت لیبرالیزه کردن اقتصادی و برداشت اسلامی و قانون اساسی صیانت از مالکیت مشروع گام نهاد و فضای مناسبی برای سرمایه گذاری بخش خصوص فراهم کرد. افزایش سرمایه گذاری در بخش خصوصی به همراه رشد مراکز آموزشی در این دوره منجر به تقویت طبقه متوسط جدید شد لیکن عرضه فعالیت سیاسی برای این طبقه فراهم نبود. در این دوره ساحت سیاسی عدالت مبتنی بر پذیرش تکثرگرایی سیاسی و فضای سیاسی مناسب فعالیت نهادهای مدنی تحت تأثیر ساحت اقتصادی عدالت مبتنی بر حمایت از طبقات ثروتمند قرار گرفت؛ هاشمی تمایل به تنوع سیاسی نداشت و صرفاً فعالیت سیاسی در چارچوب برنامه های اقتصادی خود می پذیرفت که تأثیر گذار در پیروزی خاتمی با نگرش توسعه سیاسی و ترجیح ساحت سیاسی شد.

دوره خاتمی به دوره اصلاحات ملقب شده است. پیروزی خاتمی در انتخابات را می توان ناشی از فقدان تکثرگرایی سیاسی و همدلی جریانات سیاسی خارج از قدرت در دوره هاشمی دانست. خاتمی در این دوره با ترجیح ساحت سیاسی و فرهنگی عدالت با ایجاد شرایط مناسب برای منزلت اجتماعی جریان روشنفکری، تحصیل کردگان، زنان و غیره در فعالیت های سیاسی و فرهنگی با

نگرش نوگرایانه اسلامی، فضای مناسبی برای احزاب سیاسی و مطبوعات برای ابراز نگرش های مختلف و مشارکت مردم در امر سیاسی با فعال کردن انتخابات شوراها فراهم کرد؛ هرچند برداشت های نادرست از گفتمان جامعه مدنی اسلامی خاتمی باعث تضعیف ارزش های دینی نیز در این دوره شد. ترجیح ساحت سیاسی و فرهنگی عدالت به ویژه ساحت سیاسی عدالت باعث کم توجهی به ساحت اقتصادی و اجتماعی عدالت مبتنی بر تامین معیشت مناسب برای طبقات پائین و رفع بیکاری در این دوره شد که منجر به پیروزی دولت احمدی نژاد با ترجیح ساحت اقتصادی و اجتماعی عدالت شد. دولت احمدی نژاد با نگرش عدالت محوری خود در مبارزات انتخاباتی، به دنبال کاهش فاصله طبقاتی و فقر زدایی با رویکرد سهم کردن مردم در منابع کشور بود؛ شیوه دولت برای سهم کردن مردم در ثروت کشور، خصوصی سازی در قالب سهام عدالت و پرداخت یارانه ماهیانه بود. اقدام وی توانست با استقبال طبقات محروم جامعه باشد هرچند مشکلات دیگری مانند تورم را به همراه داشت. با این وجود ترجیح ساحت اقتصادی و اجتماعی عدالت در دوره احمدی نژاد با مغفولیت ساحت سیاسی عدالت همراه بود؛ بسیاری از احزاب و مطبوعات امکان فعالیت داده نشد. چنین شرایطی امکان پیروزی دولتی با ترجیح ساحت سیاسی عدالت را تقویت کرد و منجر به پیروزی دولت روحانی شد.

در واقع عدم موازنه بین ساحت های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی عدالت در میان نخبگان اجرایی جمهوری اسلامی با وجود نگاه متوازن اقتصادی، اجتماعی و سیاسی عدالت در قانون اساسی، به نوبه خود محرومیت نسبی نیازهای چندساحتی و سیالیت نیازهای جامعه را به همراه داشته است. چنین شرایطی به نوبه خود اثرپذیری نخبگان اجرایی از نیازهای تک ساحتی محروم شده جامعه را تشدید کرده است و نیازهای چندساحتی متوازن اجتماعی، اقتصادی و سیاسی توسط نخبگان اجرایی جمهوری اسلامی مغفول گذاشته است. این فرایند همچنان استمرار دارد و برنامه ریزی متوازن چندساحتی در سطح کلان را با مشکل مواجه می کند.

منابع

۱. اسلامی نسب، محمد، (۱۳۶۴)، «توزیع صخیخ نیارهای اساسی مردم در گروه نقدینگی و تورم»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۸.
۲. اطهاری، کمال، (۱۳۶۸)، «اقتصاد گریز از تنگنا، اطلاعات سیاسی و اقتصادی»، شماره ۳۲.
۳. بخشایشی، اردستانی احمد، (۱۳۸۴)، «سیر تاریخی اندیشه های سیاسی در غرب، تهران: انتشارات آوای نور».
۴. بهداد، سهراب، (۱۳۸۶)، «طبقه و کار در ایران، ترجمه محمود متحد، تهران: آگاه».
۵. پروهان، مرضیه، (۱۳۸۲)، «نگاهی به روند تداوم و ماندگاری مطبوعات در ایران»، رسانه، شماره ۵۶.
۶. تاجیک، محمد رضا، (۱۳۷۹)، «جامعه امن در گفتمان خاتمی، تهران: نشر نی».
۷. تقوی، مهدی، (۱۳۸۲)، «تورم رکودی در اقتصاد ایران»، پژوهش نامه اقتصادی، دوره ۳، شماره ۲.
۸. حمیدی، حبیب الله، (۱۳۸۰)، «امام علی (ع) در بیان هاشمی، تهران: فرهنگ آوران».
۹. خاتمی، سید محمد، (۱۳۹۳)، «مجموعه سخنرانی و یادداشت های سید محمد خاتمی»، وب سایت شارا، www.shara.ir.
۱۰. خاتمی، سید محمد، (۱۳۷۹)، «توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی و امنیت، تهران: طرح نو».
۱۱. خاتمی، سید محمد، (۱۳۸۰)، «مردم سالاری، تهران: طرح نو».
۱۲. خمینی، امام روح الله، (۱۳۷۸)، «عدل الهی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)».
۱۳. خمینی، امام روح الله، (۱۳۷۴)، «صحیفه انقلاب: وصیت نامه سیاسی الهی رهبر انقلاب اسلامی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد».
۱۴. خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۸۶)، «فراز و فرود گفتمان عدالت در جمهوری اسلامی ایران»، دانش سیاسی، دوره ۳، شماره ۶.
۱۵. درویشی سه تلانی، فرهاد، (۱۳۹۷)، «سناریوهای پیش روی حضور زنان ایرانی در عرصه سیاست ۱۳۹۶-۱۴۰۶»، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۶، شماره ۳.

عدالت در اندیشه و عمل نخبگان اجرایی جمهوری اسلامی □ ۲۳۱

۱۶. رشیدی، علی، (۱۳۷۳)، «برنامه ی دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۸۵-۸۶.
۱۷. رحمانی، کامران و همکاران، (۱۳۹۵)، «اجماع نظر نخبگان سیاسی و توسعه سیاسی»، پژوهشهای سیاسی و بین المللی، دوره ۷، شماره ۲۹.
۱۸. رضایی، جعفر، (۱۳۹۷)، «آسیب شناسی الگوی عدالت در دولت های جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر اندیشه مطهری و امام خمینی»، پژوهش های انقلاب اسلامی، دوره ۷، شماره ۲۷.
۱۹. زهیری علیرضا، (۱۳۹۰)، «رابطه گفتمان های سیاسی سازندگی، اصلاحات و اصول گرایی با شکل گیری سیاست هویت در جمهوری اسلامی»، قم، دانشگاه باقرالعلوم (ع).
۲۰. زیباکلام، صادق، (۱۳۸۹)، «علل روی کار آمدن خاتمی بر اساس نظریه ی نامتوازن سامانل هانتینگتون»، تحقیقات سیاسی و بین المللی، دوره ۱، شماره ۳.
۲۱. زنوز، بهروز، (۱۳۸۴)، «فقر و نابرابری درآمد در ایران»، رفاه اجتماعی، دوره ۵، شماره ۱۷.
۲۲. سیف زاده، حسین، (۱۳۸۸)، «محرومیت نسبی و چرخش رای در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، شماره ۳.
۲۳. صادقی، رحمت الله، (۱۳۷۸)، هاشمی رفسنجانی در بوته نقد، تهران: گفتمان.
۲۴. صالحی، نصرت الله، (۱۳۸۱)، «تعاونی های مسکن، پیشینه، حال و آینده»، تعاون، شماره ۱۳۴.
۲۵. صادقی، الهه، (۱۴۰۰)، «سیاست جنسیت در ایران معاصر: نقش دولت در تغییر وضعیت و حقوق زنان»، دولت پژوهی، دوره ۷، شماره ۲۷.
۲۶. داوری، فاطمه، (۱۳۸۵)، «سهامی در آرزوی عدالت»، گزارش، شماره ۱۹۳.
۲۷. علیخانی، علی اکبر، (۱۳۸۸)، «درآمدی بر نظریه سیاسی عدالت در اسلام، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی».
۲۸. عباسی، نژاد حسین، (۱۳۹۰)، «اندازه گیری تورم پایه در اقتصاد ایران، تحقیقات اقتصادی»، دوره ۴۶، شماره ۹۴.
۲۹. غلامرضا کاشی، محمد جواد، (۱۳۸۵)، «نظم و روند تحول گفتار دمکراسی در ایران، تهران: گام نو».

۲۳۲ □ فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های انقلاب اسلامی، س ۴، زمستان ۹۴، ش ۱۵

۳۰. غفاری، مسعود، (۱۳۹۷)، «مدرنیته سیاسی در دولت‌های نهم و دهم»، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۹، شماره ۳.

۳۱. غروی نجوانی، سیداحمد، (۱۳۸۱)، «بحران بیکاری در اقتصاد ایران»، پژوهش‌نامه اقتصادی، دوره ۲، شماره ۶.

۳۲. فیاضی، علی، (۱۳۸۶)، «شکل‌گیری مفهوم عدالت محوری در دولت نهم»، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی

۳۳. قویدل، صالح، (۱۳۸۷)، «خود اشتغالی در مقابل بیکاری»، پژوهش‌های اقتصادی، دوره ۸، شماره ۱.

۳۴. لسناف، مایکل ایچ، (۱۳۸۵)، *فلسوفان سیاسی قرن ۲۰*، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: نشر ماهی.

۳۵. لعلی، مسعود، (۱۳۷۸)، *خاتمی از چه می‌گوید؟*، تهران: آزادی‌اندیشه.

۳۶. مارش دیوید و جری استوکر (۱۳۷۸)، *روش و نظریه در علوم سیاسی*، ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۳۷. مدنی قهفرخی، سعید، (۱۳۹۴)، *ضرورت مبارزه با پدیده فقر و نابرابری در ایران*، تهران: آگاه

۳۸. محمدزاده، محمدجعفر، (۱۳۸۸)، *نیم‌نگاهی به کارنامه عملکرد دولت نهم*، تهران: معاونت ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر ریاست جمهوری.

۳۹. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۷)، *بیست گفتار*، تهران: صدرا.

۴۰. مهاجرانی، علی اصغر، (۱۳۷۷)، «تحول اشتغال و بیکاری در ایران ۱۳۴۵-۱۳۷۵»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۲۹ و ۱۳۰.

۴۱. هاشمی رفسنجانی، علی‌اکبر (۱۳۷۵)، «تعاون عدالت‌پایدار»، تعاون، شماره ۶۱.